تغییرات خانواده و کاهش جمعیت در ایران؛

مهم‌ترین علل کاهش فرزندآوری در جامعه ایرانی

«بخش دوم»

سپهرغرب، گروه خانواده: در بخش قبل گفتیم خانواده یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است و نخستین هسته زندگی اجتماعی بشر از خانواده آغاز می‌شود. ازاین‌رو تغییرات ارزشی در حوزه خانواده در جامعه نیز تأثیرگذار است و البته تغییر در عرصه‌های گوناگون جامعه اعم از فرهنگی، اقتصادی و نیز در مناسبات خانوادگی تأثیرگذار خواهد بود؛ و اینک در ادامه:

ب) تغییرات اجتماعی

۱. گسترش خانواده هسته‌ای

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که طی دهه‌های اخیر در خانواده ایرانی شاهد آن بودیم، تغییر شکل آن است. در گذشته غالباً خانواده گسترده بود، خانواده گسترده بیش از دو نسل را در خود جای می‌دهد؛ در این خانواده‌ها فرزندان پس از ازدواج، در کنار خانواده زندگی می‌کنند که دلیل گستردگی خانواده نیز همین است. اما خانواده هسته‌ای یک خانواده نومکان است که با ازدواج یک زوج به‌وجود می‌آید؛ فرزندان پس از بلوغ، به‌تدریج خانه را ترک می‌کنند و زن و شوهر در میان‌سالی دوباره تنها می‌شوند. (۱۳)

به نظر می‌رسد خانواده هسته‌ای پس از روند صنعتی شدن غرب، شکل حاکم بر خانواده چه در دنیای صنعتی و چه در سایر مناطق جهان شد (۱۴) هم‌اکنون در ایران خانواده هسته‌ای بیشترین درصد خانواده‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

۲. افزایش میزان شهرنشینی

مطابق با سرشماری‌های انجام‌گرفته در کشور طی سال ۱۳۶۵، میزان شهرنشینی در کشور ۵۴/۳ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۶۱/۳ درصد افزایش پیدا کرده است و تا سال ۱۳۹۰، در حدود ۷۱/۴ درصد جمعیت کشور در شهرها ساکن بودند.

شهرنشینی توقعات افراد را برای داشتن زندگی بهتر افزایش می‌دهد و آن‌ها را با افزایش هزینه‌های زندگی روبه‌رو خواهد کرد. این امر به خودی خود موجب تغییر رفتارهای باروری زنان به نفع اندازه کوچک‌تر خانوار و تعداد فرزند کمتر خواهد شد. (۱۵) گسترش شهرنشینی موجب گسترش خانواده هسته‌ای می‌شود و همان‌گونه که توضیح داده شد، در کاهش تعداد فرزندان تأثیرگذار خواهد بود.

۳. آپارتمان‌نشینی و کوچک شدن خانه‌ها

یکی از پیامدهای گسترش شهرنشینی، کوچک شدن خانه‌ها و افزایش آپارتمان‌هاست. خانه‌های آپارتمانی به‌دلیل نوع فضاسازی و ساخت آن‌ها، بسیاری از کارکردهای سنتی خود مانند محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها، محل کار و البته تولید و همه‌چیز به‌جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. طراحی آپارتمان‌ها به‌گونه‌ای بوده که سبب فردی شدن خانه و گسستن اعضای خانواده از یکدیگر می‌شود؛ به عبارت دیگر آپارتمان و زندگی آپارتمانی یکی از عرصه‌های فردگرایی شده است.

در سال‌های اخیر معماری ما به سمت کوچک‌سازی خانه‌ها پیش رفته است که امکان نگهداری از فرزندان زیاد (بیش از یک یا دو فرزند) را از خانواده‌ها گرفته؛ طبیعی بوده که این امر منجر به کاهش نرخ باروری در ایران شده است.

طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، متوسط خانوار در ایران از ۵/۱ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۴/۰۳ نفر در سال ۱۳۸۵ و ۳/۵۵ نفر در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است.

۴. مشکلات اقتصادی

در کنار سایر عوامل و تغییراتی که در حوزه خانواده رخ داده، مشکلات اقتصادی نیز در کاهش باروری و تعداد فرزندان خانواده بسیار تعیین‌کننده و اثرگذار است. در شرایط کنونی کشورمان با مشکلات اقتصادی دست به گریبان بوده و سیاست‌های خارجی، تحریم‌های سنگینی را بر کشور تحمیل کرده که منجر به تورم، گرانی، بیکاری و غیره شده است و همه این‌ها می‌تواند توانایی و امکانات داشتن فرزند بیشتر را از خانواده‌ها سلب کند.

در گذشته فضای حاکم بر خانواده‌ها غالباً بر محور اقتدار والدین بود؛ اما امروزه فرزندسالاری پُررنگ‌تر شده و تبعات آن در جامعه کاملاً مشخص است. در این شرایط میزان فرزندآوری کاهش می‌یابد؛ چراکه توانایی برآوردن انتظارات بالای فرزندان و رسیدگی بیش‌ازحد والدین به آن‌ها مانعی برای داشتن فرزندان بیشتر خواهد بود.

ج) تغییرات فرهنگی

۱. رواج فرزندسالاری

در گذشته فضای حاکم بر خانواده‌ها غالباً بر محور احترام و اقتدار والدین بود، اما امروزه به‌تدریج فرزندسالاری پُررنگ‌تر می‌شود و تبعات آن در خانواده و جامعه کاملاً مشخص است.

می‌توان گفت فرزندسالاری پدیده منحصربه‌فردی بوده که در جامعه ایران به‌وجود آمده و دارای ویژگی‌های خاص خود است: بالا رفتن انتظارات بچه‌ها، افزایش مراقبت‌های والدین از آنان، وسواس شدید والدین نسبت به بچه‌ها، افزایش هزینه‌ای که والدین صرف فرزندان خود می‌کنند و تبدیل آنان به موجود پُرهزینه‌ای که دائماً در کانون توجه والدین قرار دارد. (۱۶)

طبیعتاً در این شرایط میزان فرزندآوری کاهش می‌یابد؛ چراکه توانایی برآوردن انتظارات بالای فرزندان و رسیدگی و توجه بیش‌ازحد والدین به آن‌ها، مانعی برای داشتن فرزندان بیشتر خواهد بود.

مهم‌ترین ویژگی فرزندسالاری، عدم حس مسئولیت‌پذیری و عدم استقلال در خانواده‌های فرزندسالار است. چنین خانواده‌هایی شرایط رشد و شکوفایی و خلاقیت‌های اجتماعی را از فرد می‌گیرند و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری و حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی در چنین فرزندانی بسیار پایین است. (۱۷)

۲. تحقیر کار خانگی و مادری

در سال‌های اخیر تمایل زنان به کار و کسب درآمد افزایش یافته و درنتیجه اشتغال و حضور زنان در بازار کار فزونی یافته است. در کنار این امر، نوعی تغییر نگرش نسبت به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به‌وجود آمده که نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته، این تغییر نگرش از تفکرات فمینیستی و از جوامع غربی به سایر کشورها و ازجمله ایران رسوخ کرده است.

به نظر فمینیست‌ها موقعیت فرودست زن (مادر) نسبت به شوهر (پدر) تا حدی معلول وابستگی اقتصادی است؛ اما ایدئولوژی‌های فراگیر خانواده نیز در ایجاد آن‌ها بی‌تأثیر نیست. بنابراین فمینیست‌ها نه‌تنها فرضیه‌های جامعه‌شناختی درباره خانواده، بلکه باورهای عامیانه را نیز مورد چون‌وچرا قرار داده‌اند. (۱۸)

سیمون دوبوار نیز با تأکید بر اینکه کار زن در خانه هیچ فایده مستقیمی برای اجتماع ندارد، عقیده دارد به‌دلیل آنکه کار زن در خانه هیچ‌چیز تولید نمی‌کند، زن خانه‌دار فرودست، درجه دوم و طفیلی است. به نظر وی زن نمی‌تواند در خانه وجود خود را پی‌ریزی کند، زیرا فاقد ابزارهای مورد نیاز برای بروز استعدادهای خود به‌عنوان فرد است و درنتیجه، فردیت او به رسمیت شناخته نمی‌شود.

فریدان نظریه‌پرداز فمینیست لیبرال، زنانی را که به کار خانگی مشغول می‌شوند، قربانیان یک گزینه اشتباه می‌خواند و آن‌ها را محکوم به عقب‌ماندگی مستمر می‌داند. وی بر این باور است که پرداختن به کار خانه‌داری محصول فرهنگی است که از زنان خود انتظار رشد ندارد و حاصل آن تلف شدن یک نفس انسانی است. (۱۹)

بنابراین وقتی حضور زن در خانه را تلف شدن و تباهی شخصیت او بدانند و کار خانه‌داری و نقش‌های همسری و مادری را نوعی اسارت و تحقیر به‌شمار آورند، طبیعی است که رواج این نگرش منجر به کم‌ارزش شدن و تحقیر این نقش‌ها در جامعه و خصوصاً در بین زنان می‌شود و درنهایت، در کاهش باروری بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

۳. مصرف‌گرایی در سبک زندگی

ژولیت شور به واقعیتی با عنوان «مصرف‌گرایی نوین» در عصر حاضر اشاره می‌کند که در آن با بالا رفتن معیارهای زندگی، افراد هیچ توجهی به قدرت خرید خود نمی‌کنند و حتی افرادی که نتوانسته‌اند به ثروت مناسبی دست یابند، از خریدهای اسراف‌گونه استقبال می‌کنند. (۲۰)

متأسفانه در جامعه امروز ایران نیز شاهد توسعه فرهنگ مصرف در بین خانواده‌ها هستیم که این امر خود منجر به بروز سایر عوامل و تغییرات نیز می‌شود. برای مثال افزایش مصرف‌گرایی و بالا رفتن هزینه‌ها، به‌تدریج می‌تواند منجر به توسعه فردگرایی، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، گسترش شهرنشینی و غیره شود.

با توسعه فرهنگ مصرف در خانواده‌ها، طبیعتاً هزینه‌های زندگی بالا می‌رود و امکان داشتن فرزندان بیشتر فراهم نخواهد بود و این امر منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط جمعیتی کشور و عواملی که بیان شد، ضروری است که برای حل مسئله کاهش فرزندآوری برنامه‌ریزی صورت گیرد تا این مسئله تبدیل به بحران نشود. از این رو هم باید سیاست‌گذاری‌هایی در سطح کلان صورت گیرد و هم فرهنگ‌سازی در سطح خانواده‌ها.

دولت باید با اجرای سیاست‌گذاری و تنظیم قوانین امر فرزندآوری را تسهیل کند؛ به‌نحوی که با وجود تحولات صورت‌گرفته، زمینه تسهیل فرزندآوری فراهم شده و چالش پیش‌آمده تبدیل به بحران نشود.

علاوه‌بر برنامه‌ریزی‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های تقنینی و اجرایی، عوامل فرهنگی نیز در این زمینه نقش بسیار پُررنگی دارند. تبلیغات و شعار معروف «فرزند کمتر، زندگی بهتر» که از دهه ۶۰ در ایران رواج یافت و تبلیغات متنی و تصویری با همین مضمون بر روی مواد غذایی و بسیاری از کالاها و بیلبوردهای تبلیغاتی در سطح شهر، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی که به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم فرزند کمتر را ترویج کردند، در نهادینه کردن این فرهنگ (فرزند کمتر) تأثیر بسزایی داشتند.

سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پزشکی و بهداشتی در زمینه تنظیم خانواده و ارائه خدمات پیشگیری از بارداری به مردم نیز در این زمینه تأثیر بسزایی داشت.

بنابراین همان‌گونه که همه عوامل و نهادها در کنار هم این فرهنگ را نهادینه کردند و در رسیدن کشور به این وضعیت جمعیتی نقش داشتند، در شرایط کنونی نیز برای اصلاح این روند و هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای افزایش جمعیت، نیازمند فعالیت یکپارچه و هماهنگی همه نهادها و عوامل تأثیرگذار است.

منابع:
۱. مصاحبه روزنامه آمریکایی «وال‌استریت ژورنال» با برژینسکی، مارچ ۲۰۰۹.
۲. محمدجلال عباسی شوازی، هم‌گرایی رفتارهای باروری در ایران «میزان روند الگوی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۷۵»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، ۱۳۸۰
۳. محمد میرزایی، نوسانات تحدید موالید در ایران، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۹ و ۳۰، سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۷۸
۴. حسین عظیمی، رشد جمعیت و نیازهای ناشی از آن، سازمان برنامه‌وبودجه، ۱۳۶۰، ص ۵۲
۵. زینب کاوه فیروز، بررسی تغییرات سیاست‌های کنترل جمعیت و تأثیر آن بر تحولات باروری در ایران طی سه دهه اخیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
۶. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های ۳۵ تا ۷۵
۷. محمدجلال عباسی شوازی، پیتر مک‌دونالد و دیگران، بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۳۸۱
۸. میرزایی، همان، ص ۵۵
۹. گرت‌ها هوفستده، «فرهنگ‌ها و سازمان‌ها، برنامه‌ریزی ذهن»، علی‌اکبر فرهنگی و اسماعیل کاووسی، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴
۱۰. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰
۱۱. فریده خلج‌آبادی فراهانی، دلایل باروری پایین در زنان ایرانی، ویژه‌نامه جمعیت ایران، ۱۳۹۰، ص ۳۷
۱۲. ویس، ۱۹۷۵
۱۳.اعزازی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵
۱۴. همان.
۱۵. خلج‌آبادی فراهانی، همان، ص ۳۷
۱۶. محمدصادق مهدوی و حسن غنیمتی، فرزندسالاری، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴
۱۷.همان، ص ۱۱۵
۱۸.پاملا آبوت و کلر والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴
۱۹. اسماعیل چراغی کوتیانی، فمینیسم و کارکردهای خانواده، مجله معرفت، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۷
۲۰. غلام‌حسن عیوضی، سبک زندگی تلویزیونی و مصرف، فصلنامه فرهنگی دفاعی زنان و خانواده، شماره ۱۶، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵.

آشتی با کودک درون

تک‌تک ما برای اینکه در زندگی واقعاً احساس رضایت داشته باشیم، لازم است تا کودک درونمان را کشف و با او دوباره ارتباط برقرار کنیم، او را بپذیریم و در آغوش بگیریم.

درواقع هیچ‌یک از ما به‌عنوان فردی بالغ قادر نیست بدون زنده کردن و شفا بخشیدن کودک درونش، در زندگی خوشبخت و کامل باشد.

اگر با کودک درونمان ارتباط برقرار نکنیم، او تنها و منزوی می‌شود و خود را پنهان می‌کند. اگر به احساس‌ها و علاقه‌مندی‌هایش اهمیت ندهیم، او سرکوب می‌شود و آسیب می‌بیند.

متأسفانه بسیاری از افراد وقتی با کودک درونشان مواجه می‌شوند، درمی‌یابند نیاز کودکشان به مهر و محبت، اعتماد و امنیت و پشتیبانی و احترام برآورده نشده است. افرادی که از زندگی ناراضی هستند و یا مشکلاتی مثل اعتیاد، افسردگی و روابط نادرست و مشکل‌ساز دارند، باید توجه کنند که مدت‌هاست پیام‌های کودک درونشان را نادیده گرفته‌اند؛ اما نکته مثبت این است که هرلحظه که اراده کنند، می‌توانند به کمک ارتباط برقرار کردن با کودک درونشان و آشنا شدن با آن، راهی جدید به سوی زندگی‌ای تازه، شاد و پُرانرژی باز کنند.

منبع اصلی مشکلات بسیاری از افراد می‌تواند مربوط به گذشته آن‌ها باشد. مشکلاتی که در گذشته برایشان پیش آمده و حالا بعد از سال‌ها بر تمام مسائل زندگی سایه انداخته است؛ مسائلی از گذشته که در زندگی امروز ظاهر می‌شود و لحظه حال را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در درون هریک از ما لایه‌های مختلفی وجود دارد و یکی از آن‌ها کودک ماست که باید او را از لابه‌لای لایه‌ها، بیرون بیاوریم و به او زندگی تازه‌ای ببخشیم. با کمک این روش می‌توانیم از گذشته رها شویم و زندگی را در زمان حال هدایت کنیم.

مرحله شناخت کودک درون، نشان دادن جهان به او و دعوت کردنش به زندگی می‌تواند به طرز معجزه‌آسایی مسیر زندگی و نحوه انتخاب‌هایتان را تغییر دهد و شما را به سمت انتخاب‌های بهتر و مثبت‌تر هدایت کند.

برای این کودک نام‌های مختلفی به‌کار گرفته شده: عده‌ای به او کودک غیب‌گو می‌گویند و عده‌ای آن را کودک «معجزه‌گر» نامیده‌اند، بعضی روان‌درمان‌گرها نام «خود واقعیت‌گر» را انتخاب کردند و درنهایت چارلز فیلمور نام «کودک درون» را برگزید.

کودک درون، بخشی از درون ماست که می‌تواند در اوج سرزندگی و شادابی قرار داشته باشد. کودک درون همان خود عاطفی ما بوده، او در جایی است که احساسات ما زنده هستند. وقتی احساس لذت، غم، خشم، ترس، محبت و شفقت می‌کنیم، این همان کودک درون ما بوده که ظاهر شده است.

وقتی بازی‌گوش می‌شویم و پُرجنب‌وجوش، وقتی خلاق و آگاه هستیم و اوقاتی که حسی شهودی در ما زنده می‌شود و با خویشتن معنوی رابطه برقرار می‌کنیم، همان خود اصلی، کودک درونمان و چیزی که می‌دانیم در عمق وجودمان ریشه دارد، خود را نشان می‌دهد، به ما خوشامد می‌گوید و ما را تشویق می‌کند تا در لحظه حال حضور داشته باشیم.

بهتر است باور کنیم که همه ما کودکی در درونمان داریم و نحوه برخوردمان با این کودک، زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه‌بر خودمان، والدین و جامعه نیز در شکل‌گیری این کودک تأثیرگذار هستند؛ وقتی این کودک اجازه پیدا نکند تا خود را نشان دهد، شنیده نشود و حتی حضورش را به‌کلی نادیده بگیریم و هیچ شناختی از او نداشته باشیم، کم‌کم یک خود غیر واقعی ظاهر می‌شود، تصویری غیر حقیقی از ما.

طی این شرایط است که در زندگی در نقش یک قربانی ظاهر می‌شویم و با خودمان احساس غریبی می‌کنیم؛ بسیاری از مسائل به‌صورت حل‌نشده در ذهنمان باقی می‌ماند و کم‌کم انباشته شدن این احساسات سرکوب‌شده، منجر به خشمی مزمن، ترس، احساس خلأ، بی‌انگیزگی و احساس نارضایتی می‌شود.

یکی از مواردی که باید مراقبش باشیم و در دامش گرفتار نشویم، خود انتقادگر ماست. بخشی که دائم در پی پیدا کردن ایراد، بهانه و سرکوفت زدن به ماست. بخشی که می‌خواهد زندگی ما را کنترل کند، صدایی که دائم از کودک درونمان ایراد می‌گیرد، به او طعنه می‌زند و او را به یاد انتقاد می‌اندازد. این همان صدایی است که تمام اشتباهات و شکست‌هایی که داشته‌ایم را دائم به رخمان می‌کشد و احساس بی‌کفایتی را به ما منتقل می‌کند؛ اما در عوض بخشی نیز هست که در نقش حامی کودک درون ظاهر می‌شود؛ وظیفه او این است که به کودک درون عشق بورزد، او را تشویق کند و به او این احساس را منتقل کند که ارزشمند است.

انکار و نادیده گرفتن کودک درون در افرادی که در خانواده‌های ناکارآمد بزرگ شده‌اند، بیشتر نمود دارد. این افراد معمولاً دچار بیماری‌های روانی شده و به افرادی سخت‌گیر، انعطاف‌ناپذیر، سردمزاج و بی‌محبت تبدیل می‌شوند.

اگر احساس می‌کنید که بعضی یا همه این خصوصیات در شما یا آشنایانتان هست، اصلاً ناامید نشوید. برای رهایی از این حالات راهی هست...

راهی که کمک می‌کند تا کودک درونتان را کشف کنید و او را شفا بخشید.

شما می‌توانید خود را از حلقه باورهای غلط نجات دهید و زندگی جدیدی را تجربه کنید. طی فرآیند شفای کودک درون برای شما بسیار آسان می‌شود تا با درونتان ارتباط برقرار کنید، در این روند مهم نیست که چه سن و سالی دارید.

مهم این است که دوباره متولد می‌شوید و این‌بار خودتان والد و حامی خودتان هستید. کودکتان را حمایت می‌کنید، به خودتان عشق و محبت لازم را هدیه می‌دهید. تمام تشویق‌هایی که از کودکی به شنیدنش احتیاج داشتید و دریافت نکردید را این‌بار از زبان خودتان می‌شنوید و اوج می‌گیرید. شما قادر خواهید بود تا یک‌بار دیگر رشد کنید، دوران رشدی همراه با عشق و حمایت عمیق.

باورهای شما تغییر می‌کند و درمی‌یابید که این گذشته نبوده که زندگی شما را تحت تأثیر قرار می‌داده چون گذشته، گذشته است و هیچ قدرتی ندارد؛ بلکه این تصویر ما از گذشته بوده که در ذهنمان نگه داشته بودیم و حالا می‌توانیم ذهنمان را از آن تصویرها رها کنیم و تصاویر جدیدی به ذهنمان هدیه دهیم.

طی دوره شفای کودک درون ما قدم به حیطه خودآگاه و ناخودآگاه ذهنمان می‌گذاریم، باورهای کهنه را زیرورو می‌کنیم و ارزش‌های جدیدی برای ادامه زندگی انتخاب می‌کنیم.

به‌تدریج و با کمک تمرین‌های مختلف و ایجاد آشتی با کودک درونتان، این کودک هوشمند شده، شفا یافته و حرف‌هایی به شما می‌زند که شما تمام عمر می‌خواستید آن را بر زبان بیاورید، اما نمی‌توانستید.

اما حالا کودکتان رها و آزاد است و به خود حق می‌دهد که زنده باشد و زندگی کند. برای اینکه در درونتان یک کودک سرزنده، شاداب و سرشار از انرژی داشته باشید، هیچ‌وقت دیر نیست.

شرایط زندگی با خواهر و برادر ناتنی

سپهرغرب، گروه خانواده: وقتی که از بیرون به زندگی با خواهر و برادر ناتنی نگاه می‌کنید، شاید بسیار جالب و خاص به نظر آید، اما زمانی که خودتان در این شرایط قرار بگیرید، وضعیت متفاوت خواهد بود. بسیاری از بچه‌ها پیش از آنکه زندگی با والدین ناتنی و ازدواج پدر یا مادرشان را قبول کنند، باید با مسئله زندگی با خواهر و برادر ناتنی کنار آیند. استرس، افسردگی، پرخاشگری، احساس طرد شدن و غیره همگی هیجاناتی هستند که کودک شما در زمان مواجه با این شرایط ممکن است احساس کنند. شما به‌عنوان والد برای کاهش آسیب‌ها و تنش‌ها باید اقداماتی انجام دهید، از طرفی کودک شما در هر سنی که باشد، می‌تواند نقش مهمی در خانواده و روابط داشته باشد؛ در ادامه به برخی از وظایف والدین و فرزندان برای ایجاد آرامش در زندگی صحبت خواهیم کرد.

با ازدواج مجدد والدین، مسائل مربوط به زندگی با والد ناتنی و فرزندان او که خواهر و برادران ناتنی هستند نیز پیش می‌آید. چنین خانواده‌هایی را به‌اصطلاح خانواده‌های مخلوط می‌نامند، اتفاقات ساده‌ای که در خانواده‌های معمولی به‌راحتی حل می‌شوند، در یک خانواده مخلوط بدون درنظر گرفتن رفتار صحیح، به یک معضل بزرگ تبدیل می‌شود. رابطه برادرها و خواهرهای ناتنی در یک خانواده مخلوط نیاز به دخالت‌های مناسب و توضیحات ضروری از سمت والدین دارد.

خانه دیگر امن نیست!

زندگی با خواهر و برادر ناتنی می‌تواند تنها نقطه آرامش یعنی خانه را از فرزندانتان بگیرد. در خانواده‌های معمولی دعواها، رقابت‌طلبی‌ها، پرخاشگری به والدین، تنبیه از سوی والدین نیز به‌وجود می‌آیند، حتی با وجود رفتارهای اشتباه زیاد، به‌دلیل فضای گرم خانواده و روابط پدر و مادر، مسائل حل می‌شوند؛ اما در خانواده‌های مخلوط کوچک‌ترین دعواها یا رقابت‌جویی‌ها به مسائلی بزرگ ختم می‌شوند.

سؤال‌هایی که بی‌جواب مانده‌اند

بسیاری از سؤالاتی که در این خانواده‌ها مطرح می‌شود، براساس شرایط هر خانواده پاسخی متفاوت را می‌طلبد؛ این موضوع لزوم مشاوره خانواده را بیشتر می‌کند. سؤالاتی مانند حد فاصلی که باید بین برادرها و خواهرهای ناتنی با یکدیگر وجود داشته باشد و یا نیاز است برادرها و خواهرهای ناتنی مانند یک خانواده بهم نزدیک شوند؟ و غیره که بسته به تعداد خواهرها و برادرهای ناتنی و شرایط اقتصادی و فرهنگی هر خانواده، پاسخ کاملاً متفاوت خواهد بود.

وظایف والدین در خانواده‌های مخلوط

در خانواده‌های مخلوط نیاز به قانون‌گذاری به‌صورت مستقیم وجود دارد. تمام قوانین باید از سوی والدین به‌صورت مستقیم مشخص شوند، البته نباید این قانون‌گذاری باعث خشک شدن فضای درون خانواده باشد؛ نوع نگاه هردو والد باید به‌صورت یکسان و محبت‌آمیز بین فرزندان تقسیم شود، برای توضیح بهتر مواردی را ذکر کرده‌ایم:

قوانین پوششی وضع کنید:

در ابتدا با وضع قوانین پوششی مشکلات متعددی را که می‌توانند به‌وجود بیایند و موضع غیر قابل تغییر خود را به آن‌ها اعلام کنید. کسی حق چرخیدن در خانه با لباس زیر را ندارد و کسی جلوی دیگری لباس عوض نمی‌کند؛ قوانین را برای دختران مادر و برای پسران، پدر توضیح دهد.

اتاق‌ها و وسایل را به‌صورت مشخصی تقسیم کنید:

برای جلوگیری از رقابت‌جویی، ایجاد نفرت‌ها و مشخص شدن مقصر در دعواهای آتی، در همان ابتدا اتاق و وسایل را به‌صورت عادلانه بین فرزندان تقسیم کنید. باید مراقب نفرت‌های پنهان بین فرزندان ناتنی باشید و آن‌ها را مدیریت کنید.

زمان تنهایی خودتان و همسرتان را برای آن‌ها مشخص کنید:

فرزندان شما باید بدانند که شما و همسرتان به یکدیگر نیاز دارید و همانند دیگر والدین، اوقات تنهایی و شخصی می‌خواهید. البته ازنظر بیشتر روانشناسان بهتر است تا رسیدن به یک وضعیت ثابت در خانواده و کودکان، برای تنها شدن با یکدیگر عجله نکنید تا فرزندان کمی راحت‌تر با این قضیه کنار بیایند؛ درنتیجه تا جای ممکن آرام‌آرام پیش بروید.

از کلیدهای انعطاف‌پذیری، صبر، عشق و درک استفاده کنید:

در شرایط سخت ممکن است فکر کنید باید از روش‌های سخت و خشک استفاده کنید تا مشکلات حل شوند؛ اما برای باز کردن درب قلب فرزندانتان و ایجاد یک خانواده، تنها لازم است صبور باشید و به‌جای خشک بودن، خود را انعطاف‌پذیر نشان بدهید. بچه‌ها هنوز از شما الگو می‌گیرند؛ با تغییر کنار بیایید و از عشق و درک خود نهایت استفاده را ببرید.

از تشویق‌ها به‌جای تنبیه‌ها استفاده کنید:

تنبیه کردن بچه‌ها در این شرایط، در نظر کودکان خالی کردن نفرت و عصبانیت شما دیده می‌شود. توضیح علت تنبیه در این وضعیت نتیجه‌ای را حاصل نمی‌کند؛ لازم است تا رسیدن به وضعیتی که شما را به‌صورت یک والد بپذیرند، از تنبیه کردن آن‌ها تا جایی که ممکن است، بپرهیزید. البته فراموش نکنید تنبیه نکردن با کوتاه آمدن و ضعیف بودن تفاوت فاحشی دارد، مراقب باشید در این وضعیت قافیه را نبازید.

محیط‌های مشترک بسازید:

می‌توانید از طبیعت کمک بگیرید، سفر به یک محیط طبیعی فرصت خوبی برای ایجاد رابطه‌ای سالم بین اعضای خانواده جدید ایجاد می‌کند، گذراندن زمان‌های مشترک در موقعیت‌های مختلف، اهمیت خانواده را به فرزندان نشان می‌دهد.

برایشان پیشنهادهای رفتاری داشته باشید:

شما می‌توانید نقش آن‌ها را برایشان توضیح بدهید و با استفاده از پیشنهادهای زیر، به آن‌ها بگویید که چطور رفتار کنند و دلیل این رفتارها چیست. این امر از طرفی از ابهام قضیه می‌کاهد و از طرفی باعث می‌شود تا شما رابطه خود را با آن‌ها نزدیک‌تر کنید؛ فرزندان نیاز به درک شدن دارند و این توضیحات در این درک شدن کمک می‌کند.

نقش فرزندان برای سازگاری با برادران و خواهران ناتنی

روی والدین خود حساب باز کنید:

نگران نباشید. شما نباید خود را تنها فرض کرده و فکر کنید دنیا تمام شده است؛ والدتان همچنان به فکر شماست و برای بهبود وضعیت درحال تلاش بوده، فراموش نکنید که شرایط ممکن است کمی تغییر کرده باشد، اما محبت در قلب والدین هرگز از بین نمی‌رود.

ساکت نمانید:

شما همچنان حق دارید تا عصبانی شوید، بچگی کنید و خانه را بهم بریزید. البته فراموش نکنید که اگر بی‌ادبی و بددهنی کردید، تنبیه می‌شوید؛ بنابراین تنبیه‌ها و مجازات را به پای نامادری نگذارید!

کنار بیایید:

در ابتدا ممکن است با والدین ناتنی نفرت‌پراکنی‌ها، پرخاشگری و حتی دعواهایی داشته باشید، اما هرچه زمان جلوتر برود، می‌فهمید «بهترین دوستی‌ها با دعوا شروع شده‌اند». همچنین بهتر است شرایط خود را ببینید و متوجه باشید داشتن یک برادر و یا خواهر هرچند ناتنی در زندگی، برای انسان باعث دلگرمی است.

به قوانین پایبند باشید:

قوانین وضع می‌شوند تا شما با مشکل کمتری روبه‌رو باشید. با لجبازی کردن سعی نکنید قوانین را بشکنید، بلکه قوانینی که والدین برای شما وضع می‌کنند را رعایت کنید تا بتوانید دوباره آرامش را در خانه به‌دست بیاورید.

زمان را فراموش نکنید:

زمان قدرت تغییر بسیاری دارد. امروز و سختی‌های آن را به‌خاطر بسپارید، اشک‌ها و خاطرات خود را در جایی یادداشت کنید و آگاه باشید وقتی که از مشکلات عبور کردید، از شما فرد قوی‌تری ساخته است.